

## عنوان مقاله: نقش تربیتی رسانه ها در تعلیم و تربیت معاصر بر مبنای دیدگاه فلسفی پست مدرنیسم

دکتر نصیبه پوراصغر. استادیار دانشگاه پیام نور n.pourasghar1@yahoo.com

دکتر محمدرضا سرمدی. استاد دانشگاه پیام نور

### چکیده:

مطالعه تعلیم و تربیت پست مدرن همواره با مشکلاتی روبرو بوده است به دلیل آن که پست مدرنیسم اغلب به صورت یک جریان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به تصویر کشیده شده است و متفکران پست مدرنیسم ها کمتر در مورد تعلیم و تربیت بحث و گفتگو کرده اند در این میان رسانه ها از مهمترین عناصر تشکیل دهنده آموزشی و تربیتی در جامعه پست مدرن به حساب می آیند. گروهی از پست مدرن ها معتقدند که نهادهای تربیتی و رسانه ها اساسا نسبت به هم رقیب هستند زیرا آنچه ما واقعی می پنداریم، شکل گسترده چیزی است که رسانه ها واقعی می خوانند. گروهی دیگر معتقدند که رسانه ها باید در نظام آموزشی کشورهای مختلف جایگاه خاصی داشته باشد به دلیل اینکه رسانه ها در زندگی روزمره دارای اهمیتی ویژه هستند. لذا وظیفه نظام تعلیم و تربیت و مدارس است که به محصلین خود بیاموزد که از رسانه ها بهره گیرند. بنابراین اثر تربیتی رسانه ها با توجه به اینکه رسانه ها خود ابزار و وسایل تعلیم و تربیت در برنامه ریزی رسمی هستند و از طرف دیگر اثر ضمنی آنها به صورت برنامه ریزی پنهان در متن واقعی جامعه بسیار زیاد است. در این مقاله با توجه به عنوان موضوعی رسانه، ویژگیهای رسانه، تعلیم و تربیت پست مدرن و همچنین به منظور بررسی اثرات رسانه ها مزایا و معایب تعلیم و تربیت پست مدرن رسانه ای مورد بررسی قرار گرفته است.



### هدف پژوهش:

### بررسی و تعیین نقش تربیتی رسانه ها در تعلیم و تربیت معاصر بر مبنای دیدگاه فلسفی پست مدرنیسم

### روش شناسی:

### با توجه به ماهیت موضوع و

### سوالهای پژوهش که تحلیلی هستند

### و امکان بررسی موضوع به صورت

### عینی به دلیل کلیت و گستردگی

### موضوع نیست و همچنین به دلیل

### اینکه پژوهش حاضر به دنبال پاسخ

### "چیسستی" است روش پژوهش

### اسنادی-تحلیلی است.

### نتیجه گیری (جداول و نمودارها)

با توجه به مباحث مربوط به اهداف تعلیم و تربیت پست مدرن، اهداف تعلیم و تربیت پست مدرن، تربیت شهروندان انتقادی، تاکید و توجه بر گفتمان سازنده، بررسی تفاوت و نظامهای متفاوت به عنوان هدف تربیتی، بها دادن به عملی بودن دانش (دانش آموزان به عنوان تولید کننده و نیز مصرف کننده دانش به شمار آیند، نه صرفا داننده آن)، توجه به فرهنگ عمومی و مطالعات فرهنگی، خود آفرینندگی است که از ویژگی های برنامه ریزی درسی عصر پست مدرن است. اگر در تعلیم و تربیت به عنصر دیگری به عنوان یکی از اصول پست مدرنیسم توجه شود، موجب تمرکز زدایی، کاستن از نفوذ دولت در تعلیم و تربیت، توجه به آداب و رسوم و خرده فرهنگ های اقشار مختلف جامعه شده و آمیختگی بین فرهنگ عامه و نخبه شده و موجب فروپاشی مرز میان آنها می شود. مهر محمدی (۱۳۸۶، ص ۹۵) معتقد است، نهاد تعلیم و تربیت در سایه تحولات حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (رسانه دوره معاصر یا پست مدرن) با یکی از دو سر نوشت زیر رو به روست:

۱. زوال ناشی از عدم اهتمام به بازنگری و ماموریت خود، بازنگری متناسب با عصر جدید یا تمدن اطلاعاتی و ارتباطی (احیاء مجدد تر مدرسه زدایی).

۲. دوام متکی به تحولات بنیادین در عرصه های یاد شده یا مدرسه زدایی جدید.

به طور کلی این اعتقاد وجود دارد که پیشرفت و گسترش رسانه ها، مدرسه و موسسات آموزشی را وادار خواهد کرد تا غایت فعالیتها و نقشهای خود را که دیگر به ضرورتهای دنیای در حال تغییر و تحول سریع جوابگو نیستند و همچنین نوع سازمان و فعالیت خود را تغییر دهند. با توجه به نقش رسانه ها به عنوان ابزار آموزشی در تعلیم و تربیت رسمی و نقش آن در برنامه ریزی درسی پنهان می توان گفت که با گسترش نفوذ رسانه ها در عصر معاصر مزایا و معایب یا اثرات مثبت و منفی تعلیم و تربیت پست مدرن رسانه ای عبارت از موارد زیر می تواند باشد.

### مزایا و معایب تعلیم و تربیت پست مدرن رسانه ای (اثرات مثبت و منفی رسانه پست مدرن)

تهدیدات و معایب: با توجه به مباحث مربوط به نگرانیهای حاصل از پیشرفت ابزارها و وسایل تکنولوژیکی و تاثیرات پنهان و ضمنی تربیتی آن و حضور گسترده آن در تعلیم و تربیت موارد زیر از جمله تهدیدات و معایب تعلیم و تربیت پست مدرن رسانه ای است که می توان این تهدیدات و معایب را اثرات منفی رسانه های پست مدرن بر تعلیم و تربیت نامید. ۱. افزایش خطر انزوا اجتماعی و فرو افتادن انسان در غرطه فردی: با توجه به خصوصیات که تربیت رسانه ای دارد، دوری گزیدن و انزوا فراگیران از اجتماع و گروههای همسالان خود طبیعی به نظر می رسد اما با توجه به اینکه انسانها، موجودی اجتماعی هستند قطعاً برای دوری از این خطر باید راهکار و تدابیری اندیشید.

۲. تکروری و اقتدار بیش از حد رسانه: در بعضی نظام های آموزش و یا در بعضی از افکار نظریه پردازان تعلیم و تربیت مشاهده می شود که با دیدی افراطی و یکجانبه به جبر گرایی رسانه ای گرفتار آمده و جز تعلیم و تربیت رسانه ای نظام دیگری را قبول ندارد در حالی که تعلیم و تربیت رسانه ای باید مکمل تعلیم و تربیت سنتی شده و به شکوفایی منجر شود. فرصت ها و مزایا: با توجه به مباحث مربوط به اهداف تعلیم و تربیت پست مدرن و تاثیر موثر رسانه ها در تعلیم و تربیت به عنوان ابزاری برای کمک به آموزش و گسترش دانش طبق دیدگاه برخی از پست مدرنها موارد زیر از جمله فرصت ها و مزایا تعلیم و تربیت پست مدرن رسانه ای است که می توان این فرصت ها و مزایا را اثرات مثبت رسانه های پست مدرن بر تعلیم و تربیت نامید.

۱. مدرسه زدایی و کاهش اقتدار معلم: با کاربردی که رسانه های تربیتی دارند می توانند جایگزین مدارس شده و یا اینکه با

حضور در مدارس از مطلق گرایی معلم در امر تربیت کاسته و به منعطف شدن و تنوع در جو کلاسی منجر می شود.

۲. ترویج یادگیری مادام العمر: رسانه های پست مدرن با امکانات گسترده خود، مقید به زمان و مکان نشده و با سرعت زیادی با تولید دانش به سوی جامعه دانایی محور در حرکت است.

۳. تنوع و ایجاد انعطاف در برنامه ها: در تربیت رسانه ای با امکانات مولتی مدیا می توان علاوه بر آموزش گروهی به تربیت فردی فراگیر نیز پرداخت و برای هر فردی با توجه به استعداد و توانایی هایش برنامه ریزی کرد.

۴. تسهیل تربیت شهروندی: آزادی در بیان عقاید و اظهار نظر و گرایشی که رسانه های پست مدرن به دموکراتیک کردن فضای آموزشی و استعدادی که ذاتا رسانه ها در امور سیاسی و اجتماعی دارند باعث آشنایی هر چه بیشتر دانش آموزان با تربیت شهروندی خواهد شد.

با نظارت و هدایت رسانه های تربیتی می توان مشکلات زیر را در تعلیم و تربیت چنین مرتفع ساخت:

۱. تمرکز گرایی تبدیل به مدیریت غیر متمرکز می شود. از آنجا که در دوران حاضر عدم تمرکز و انعطاف پذیر بودن در برنامه ها و امور آموزشی مطرح می شود رسانه های تربیتی پست مدرن با قدرت و اقتدار می توانند با دسترسی به دنیای مجازی و امکانات آن و با کوچک سازی سازمان ها و تفویض اختیار و هدایت و راهنمایی غیر مستقیم به کنترل زیردستان و امورات تعلیم و تربیت بپردازد.

۲. دیوانسالاری مبدل به دموکراسی می شود. رسانه های تربیتی به دلیل امکانات گسترده، سرعت زیاد، نادیده گرفتن زمان و مکان، و خصلت ذاتی رسانه ها که متمایل به کار در محیطی دموکراتیک هستند می توانند انجام وظیفه کنند.

۳. مدیریت مرکزی با بهره گیری از رسانه ها جایگزین بی ثباتی مدیریت می شود. با برنامه ریزی صحیح و نظام مند و چندین ساله می توان به جبران نقایص پرداخت.

۴. آموزش مداوم جایگزین عدم توجه به آموزش ضمن خدمت کارکنان می شود. رسانه های تربیتی به دلیل ماهیت و مقاصدی که برای آن طراحی شده اند با آموزش مداوم خواهان جبران کمبودهای نظام تعلیم و تربیت سنتی هستند رسانه های تربیتی به کارکنان خود توجه ویژه ای دارد چرا که راز بقای آن در نو بودن و اثر بخش بودن خود آنهاست.

۵. مدیریت کیفیت جایگزین بی توجهی به کیفیت و اثر بخشی می شود. تربیت رسانه ای با توجه به اینکه ارتباط نزدیکی با بازارهای اقتصادی دارد با هزینه کردن سرمایه و کسب آگاهی از نیازهای آنان و مشارکت در پژوهش های بخش اقتصاد و بازار سعی بر آن دارد تا با افزایش توان و امکانات خود کیفیت و اثر بخشی را افزایش دهد.

### بحث و نتیجه گیری

رسانه ها ی دوره معاصر در برنامه ریزی رسمی به صورت کمک کننده، تسهیل کننده فرایند یاددهی و یادگیری است و تحولات بنیادین در تعلیم و تربیت از جمله آموزش از دور و مجازی را ایجاد کرده است و با کمک گرفتن از رسانه ها می توان تدریسی فرا از قید زمان و مکان فراهم نمود. در نتیجه می توان گفت که رسانه ها در برنامه ریزی رسمی تعلیم و تربیت اثرات مثبت و سازنده ای دارد. اثرات ضمنی و پنهانی رسانه به صورت برنامه ریزی پنهان در تعلیم و تربیت نیز به دلیل اینکه ویژگی رسانه ها منطبق با ایده های بنیادین پست مدرن همچون عدم مرکزیت، مشارکت و تعامل دو سویه، تکثر گرایی، نقد و انتقاد، توجه به محلی و منطقه ای شدن است و همگام با آن حرکت می کند نمی تواند مخرب و نگران کننده باشد چرا که این ایده ها اثرات مثبتی در جامعه جهانی و در تعلیم و تربیت داشته است. با توجه به مباحث مربوط به تعلیم و تربیت در دوره پست مدرن می توان گفت که برنامه درسی پست مدرن بر مباحثی تاکید دارد که موجب افزایش آگاهی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، بوم شناختی، زیبایی شناختی و الهیاتی می شود، بدین معنی که نوع برنامه درسی به بافت و شرایط کلی حیات انسان متکی است، آگاهی و حساسیت نسبت به مسائل زیست محیطی بخشهای مسلمی از پیشنهادها پست مدرن در برنامه درسی هستند. برنامه درسی پست مدرن به منظور لحاظ وحدت دوباره " معلم یا یادگیرنده " و " متن یا خواننده " باید گفتگوی، مذاکره ای و تعاملی باشد. روش برنامه درسی مورد تایید برخی از پست مدرن ها روش پدیدارشناسی، روش خود- شرح حال نویسی و روش سیاسی است ( فرمهایی فراهانی، ۱۳۸۳) و این برنامه توانایی تغییر دارد. برنامه درسی نباید انحصاری و متمرکز باشد (باید صداهای مختلف شنیده شود). برنامه درسی منعطف، سازگار و مشارکتی باشد.